

روز معلم

تعلیم و تعلم از شئون الهی است و خداوند، این موهبت را به پیامبران و اولیای پاک خویش ارزانی کرده است تا مسیر هدایت را به بشر بیاموزند



تعلیم و تعلم از شئون الهی است و خداوند، این موهبت را به پیامبران و اولیای پاک خویش ارزانی کرده است تا مسیر هدایت را به بشر بیاموزند و چنین شد که تعلیم و تعلم به صورت سنت حسنه آفرینش درآمد. انسان نیز با پذیرش این مسئولیت، نام خویش را در این گروه و در قالب واژه مقدس «معلم» ثبت کرده است. معلم، ایمان را بر لوح جان و ضمیرهای پاک حک می کند و ندای فطرت را به گوش همه می رساند. همچنین سیاهی جهل را از دل ها می زداید و زلال دانایی را در روان بشر جاری می سازد. دغدغه معلم همیشه این است که حیات بشر، بر مدار ارزش ها و کرامت انسانی بچرخد و شناخت خدا و مکتب و دین، همت اساسی آدمی باشد و هیچ بیگانه ای را مجال تجاوز به فرهنگ ارزشی دین و میهن فراهم نیاید. در این مسیر خطیر، بزرگانی گام نهاده اند که نامشان بر تارک زمان می درخشد. علامه شهید استاد مرتضی مطهری (رحمه الله) از همین طایفه مقدس است که در سنگر تعلیم و تعلم، به قله های رفیعی دست یافت تا آنجا که معمار انقلاب اسلامی - که خود معلمی بزرگ است - همه آثارش را مفید می داند و بهره برداری از آنها را سفارش می کند ...

مفهوم علم

- امروزه در زبان پارسی و عربی کلمه «علم» به دو معنای متفاوت بکار برده می شود.
1- معنای اصلی و نخستین علم، دانستن در برابر ندانستن است. قرآن کریم به این معنا اشاره دارد که «171#& هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون»؛ آیا یکسانند آنان که می دانند و آنان که نمی دانند.» (زمر/ 9) از این منظر به همه دانستیها صرف نظر از نوع آنها علم گفته می شود مطابق این معنا، اخلاق، ریاضیات، فقه، دستور زبان، مذهب، زیست شناسی و نجوم همه علم اند... کلمه Knowledge در انگلیسی و Connaissance در فرانسه معادل این معنا علم اند.
2- کلمه علم در معنای دوم منحصراً به دانستن هایی اطلاق می شود که بر تجربه مستقیم حسی مبتنی باشند... علم در این جا در برابر همه دانستیهایی قرار می گیرد که آزمون پذیر نیستند. اخلاق (دانش خوبی ها و بدیها) متافیزیک (دانش احکام و عوارض مطلق هستی) عرفان (تجارب درونی و شخصی) منطق (ابزار هدایت فکر) فقه، اصول، بلاغت، و ... همه بیرون از علم به معنای دوم آن قرار می گیرند و همه به این معنا غیر علمی اند کلمه SCIENCE در انگلیسی و فرانسه معادل این معنا علم اند.
دیده می شود که علم در این معنا بخشی از علم به معنای اول را تشکیل می دهد و به سخن دیگر علم تجربی نوعی از انواع دانستیهای بسیاری است که در اختیار بشر می تواند قرار گیرد. رشد علم به معنای دوم عمدتاً از آغاز دوره رنسانس به بعد است در حالیکه علم به معنای مطلق آگاهی (معنای اول) تولدش با تولد بشریت هم آغاز است. آیه قرآنی «171#& خلق الانسان علمه البیان» خداوند رحمن انسان را آفرید و بیان را به وی تعلیم داد/ (رحمن/ 3و4) بهترین مویذ این معناست.

معنای عالم باتوجه به دو تعریف از علم

- در نگاه اول به علم که نگاه ترکیبی به معرفت است خداوند معلم اول و پیامبر معلم ثانی است چرا که پس از تعلیم آدم توسط خداوند دستور «171#& قال یا آدم انبئهم باسمائهم» (ای آدم ملاحظه کن که این اسماء آگاه ساز/ بقره 33) آدم علیه السلام داده شده این بدان جهت است که اساساً هدف آفرینش انسان با علم و معرفت پیوند ناگستنی دارد در بیان رسا و جامع سید شهیدان امام حسین (ع) این معنا به خوبی روشن است که: «171#& ما خلق العباد الا لیعرفوه، فاذا عرفوه عبده» (بندگان را نیافرید مگر برای آن که او را بشناسند پس چون او را شناختن عبادتش خواهند کرد. - در این معنا هدف از ارسال معلم ثانی ارائه معرفتی است که انسان بواسطه آن به عبادت می رسد «171#& هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم تیلاو علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الكتاب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین» (اوست خدایی که پیامبر بزرگوار از میان شان برانگیخت تا بر آنان آیات وحی را تلاوت کند و آنان را پاک سازد و شریعت کتاب و حکمت الهی را بیاموزد که پیش از این همه در ورطه جهالت و گمراهی بودند (جمعه/ 2) در این آیه همه علوم از جمله بیان، اخلاق، تعلیم کتاب و حکمت، برای رهایی از گمراهی و یافتن راه هدایت (عبادت) توسط پیامبر (ص) معرفی شده است. - در نگاه دوم که نگاه تفکیکی به شاخه ای معرفت است. معلم اول ارسطو است چرا که «171#& ووی نخستین واضع علم منطق بود ... و راه دلیل و برهان منطقی را باز نمود و معلم ثانی نیز ابونصر فارابی است بخاطر آنکه او اول بار کتب حکمت یونانی را که ارسطو و غیره تحریر کرده اند از یونانی به عربی ترجمه کرد و تعلیم داد....

ارزش و مقام معلم

شرافت و مرتبت معلم زمانی اهمیت دارد که بتواند شان خداوند و پیامبران را در وجود خود محقق سازد و پیوند انسان به هدف

متعالی خلقت یعنی عبادت را برقرار سازد. لذا در این تعریف شهید مرتضی مطهری یکی از آن معلمان راستین است که اولاً با نگاه ترکیبی به همه معارف بشری نظر می‌کند و ثانیاً تمامی تلاشهای علمی و عملی را مقدمه ای برای عبادت می‌داند و در این راه به مرحله سوم دینداری راه می‌یابد و با شهادت، عبادت عملی و علمی خود را کامل می‌سازد. خداوند را می‌خوانیم که او رابا سالار و سرور شهیدان امام حسین (ع) محشور سازد.

هنر معلمي:

معلمی شغل و حرفه نیست، بلکه ذوق و هنر توانمندی است معلمی در قرآن به عنوان جلوه ای از قدرت لایزال الهی نخست ویژه ذات مقدس خداوند تبارک و تعالی است. در نخستین آیات قرآن که بر قلب مبارک پیغمبر اکرم (ص) نازل شد، به این هنر خداوند اشاره شده است:

اقرا باسم ربك الذي خلق، خلق الانسان من علق، اقرأ وربك الاكرم، الذي علم بالقلم، علم الانسان ما لم يعلم. (علق: 1-5)

بخوان به نام پروردگارت که جهانیان را آفرید. انسان را از خون بسته سرشت بخوان! و پروردگارت کریمترین است همان که آموخت با قلم، آموخت به انسان آنچه را که نمی دانست.

در این آیات خداوند، خود را «معلم» می‌خواند و جالب این که معلم بودن خود را بعد از آفرینش پیچیده ترین و بهترین شاهکار خلقت، یعنی انسان آورده است.

مقام معلم بودن خدا، بعد از آفرینش قرارداد. نوعی انسانی را که هیچ نمی دانست، به وسیله قلم آموزش داد که این از اوج خلاقیت و هنر شگفت خداوند در امر آفرینش حکایت دارد:

چو قاف قدرتش دم بر قلم زد هزاران نقش بر لوح عدم زد
از این رو، می توان گفت که هنر شگفت معلمی از آن خداوند عالم است.

شهید ثانی رحمت الله درباره هنر معلمي خداوند می فرماید:

خداوند از آن جهت به وصف (اکرمیت) و نامحدود بودن کرامتش، توصیف شد که علم و دانش را به بشر ارزانی داشته است. اگر هر مزیت دیگری، جز علم و دانش، معیار فضیلت به شمار می‌رفت، شایسته بود همان مزیت با وصف (اکرمیت) در ضمن این آیات همراه و هم پا گردد و آن مزیت به عنوان معیار کرامت نامحدود خداوند به شمار آید. کرامت الهی در این آیات با تعبیر «الاکرام» بیان شده است. چنین تعبیری می‌فهماند که عالی ترین نوع کرامت پروردگار نسبت به انسان با والاترین مقام و جایگاه او، یعنی علم و دانش هم طراز است.

به همین جهت امام خمینی (ره) می فرمود:

معلم اول خدای تبارک و تعالی است به وسیله وحی؛ مردم را دعوت می‌کند به نورانیت؛ دعوت می‌کند به محبت؛ دعوت می‌کند به مراتب کمالی که از برای انسان است.

داستانی زیبا از رابطه شاگرد و معلم:

بهترین نوع این رابطه که سرشار از ادب و فروتنی است، در داستان حضرت موسی (ع) به عنوان شاگرد و حضرت خضر (ع) در مقام معلم - نمود دارد. موسی (ع) مأمور شد تا از بنده ای صالح به نام خضر (ع) کسب علم کند. قرآن آغاز گفت و گوی این معلم و شاگرد را این چنین بیان می‌کند:

قال له موسي هل اتبعك علي ان تعلمن مما علمت رشداً * قال انك لن تستطيع معي صبراً * و كيف تصبر علي ما لم تحط به خبراً * قال ستجدني ان شاء الله صابراً و لا اعصي لك امراً * قال فان اتبعني فلا تسألني عن شي ء حتي احث لك منه ذكراً. (كهف: 66 - 70)

موسی به او گفت: «آیا از تو پیروی کنم تا از آنچه به تو تعلیم داده شده که مایه رشد است به من بیاموزی؟ گفت: ««تو هرگز هم پای من نمی توانی صبر کنی و چگونه در مورد چیزهایی که از آن شناخت نداری، شکیبایی می‌کنی؟» گفت: ««اگر خدا بخواهد، مرا شکیبیا خواهی یافت و در هیچ کاری نافرمانی تو نمی‌کنم». گفت: اگر به دنبال من آمی، چیزی از من می‌رس تا خودم از آن با تو سخن بگویم.»

معلم در کلام امام خمینی (ره):

نقش معلم در جامعه، نقش انبیاست؛ انبیا هم معلم بشر هستند. تمام ملت باید معلم باشند؛ فرزندان اسلام تمام افرادش معلم باید باشند و تمام افرادش متعلم.

معلم در سخنان مقام معظم رهبری:

دست توانایی معلم است که چشم انداز آینده ما را ترسیم می‌کند. اگر می‌بینید که امیرمؤمنان، مولای متقیان علی (ع) می‌فرماید: ««من علمنی حرفاً فقد صیرنی عبداً؛ هرکس چیزی به من بیاموزد، مرا غلام خویش کرده است.» این بیان برای ما درس است تا معلمان، قدر خود را بدانند و تشخیص دهند که چقدر، وجود

آنها در سرنوشت یک ملت مؤثر است.

معلم در کلام استاد مطهری:

معلم باید نیروی فکری متعلم را پرورش دهد و او را به سوی استقلال رهنمون شود. باید قوه ابتکار او را زنده کند؛ یعنی در واقع، کار معلم آتش گیره دادن است. فرق است میان تنوری که شما بخواهید آتش از بیرون بیاورید و در آن بریزید تا آن را داغ کنید و تنوری که در آن هیزم و چوب جمع است و شما فقط آتش گیره از خارج می آورید و آن قدر زیر این چوب ها و هیزم ها قرار می دهید که اینها کم کم مشتعل شود.

مقام معلم

می توان در سایه آموختن گنج عشق جاودان اندوختن
اول از استاد، یاد آموختیم پس، سویدای سواد آموختیم
از پدر گر قالب تن یافتیم از معلم جان روشن یافتیم
ای معلم چون کنم توصیف تو چون خدا مشکل توان تعریف تو
ای تو کشتی نجات روح ما ای به طوفان جهالت نوح ما
یک پدر بخشنده آب و گل است یک پدر روشنگر جان و دل است
لیک اگر پرسی کدامین برترین آنکه دین آموزد و علم یقین

استاد حسین شهریار